

## نقش ادبیات کودک در تعلیم و تربیت و پرورش و رشد اجتماعی

محمد رضا بختیاری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه

---

### چکیده

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می‌شود که به وسیله‌ی متخصصین برای کودکان نوشته می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد، پرورش فکر، تربیت و شخصیت کودک مورد توجه است. ادبیات کودکان به موضوعات شناختی از قبیل، آزمون‌های واژگانی که توسط روانشناسان آموزشی طراحی می‌شود و به سطوح مختلف رشد شناختی برای فهم محتوا اختصاص داده می‌شود. هدف از این مقاله، فراهم آوردن زمینه‌ای ویژه برای فهم پیشرفت و تغییر دغدغه‌های ادبیات کودک و راهگشای مسیری جدید برای فهم بهتر ادبیات با توجه به اینکه سیر تحول ادبیات در هر کشوری تحت تأثیر فرهنگ، اجتماع و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن جامعه است، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز در ایران از این مسأله مستثنی نیست و می‌توان آن را به چهار دوره تقسیم کرد که در هر دوره‌ای با سیر نزولی یا صعودی با دورنمایه‌های متفاوت و سبک‌ها و انواع ادبیات از قبیل آثار ترجمه شده - آثار کهن و آثار کلاسیک - همراه بوده است و در نهایت با ورود به فناوری‌های جدید در عرصه زندگی کودکان و نوجوانان و تأثیر آنها در ادبیات مکتوب و جایگاه ادبیات کودکان ایران در شرایط فعلی، یعنی؛ ورود به مرحله چهارم یعنی خلق مستقل ادبی را می‌توان مشاهده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات، پرورش فکر، کودکان، رشد شناختی.

---

## مقدمه

شعر و ادبیات کودک نقش مهمی در پیشرفت و رشد اجتماعی قشر عظیمی از جامعه بشری خصوصاً کودکان و دانش آموزان دارد. برخورداری از عناصر تشکیل دهنده شخصیت کودکان و عوامل تشخیص و شناسایی احساسات و عواطف کودکان موجبات تربیت و رشد صحیح فراهم آورده و به مربیان فرصت بیشتری در درک نیازها و احتیاجات علمی و فرهنگی و احساسی کودکان به ارمغان می آورد. ادبیات کودک از زمان شکل گیری و بوحود آمدن کودک در جامعه بشری مورد توجه معلمین اخلاق و تربیت دهندگان کودک و والدین بوده است. بر این اساس نقش ادبیات کودک در تعلیم و تربیت و پرورش و رشد اجتماعی امکان شناخت و برنامه ریزی صحیح برای متولیان تربیتی در جوامع مختلف را فراهم می آورد.

برای رسیدن به تربیت صحیح کودکان و بهره برداری از موضوعات مختلف فرهنگی و روان شناختی کودکانه موجبات پرداختن به این مجموعه را فراهم آورد. بی شک هرچه در روند رشد و تربیت کودک از موضوعات مورد توجه نو نهالان و کودکان استفاده شود در رسیدن به هدف غایی تربیتی و آموزشی موثر خواهد بود. فولکلور و ادبیات عامیانه منبع غنی از موضوعات تربیتی برای آموزش و تربیت کودکان تلقی می شود. شعر کودک، معما، قصه، داستان و... از عوامل مهمی در پیشبرد امر تعلیم و تربیت به شمار می آید. در این مقاله سعی می شود تا راه های شناخت عاطفی و احساسات کودک و شیوه های برخورد تعلیماتی و آموزشی کودکان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. موضوع تربیت کودک و رشد فکری، آن امکان پیشرفت جوامع را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در آینده آسان خواهد ساخت. بی گمان نرسیدن به رشد فکری و وجود معضلات اجتماعی و تربیتی آسیب های اجتماعی و تربیتی زیادی ببار خواهد آورد. بنابراین لازم است دست اندرکاران تربیتی جامعه از شیوه های مناسب ادبیات کودک در شناخت خواسته های کودکان بهره برده و در برنامه ریزی های تربیتی و آموزشی مد نظر قرار دهند. دسترسی به عوامل مهم در شناخت کودکان و برنامه ریزی صحیح در نظام تربیتی و آموزشی و پرورش ذهنی از ایده های مهم در این جستار می باشد.

ادبیات کودک جزو مباحثی است که در مبحث فولکلور مورد تحقیق نویسندگان قرار گرفته است. مرزهای ادبیات شفاهی و ادبیات کتبی یا کلاسیک بسیار سیال است طوری که این دو نوع ادبیات در سطحی گسترده و وسیع از یکدیگر متاثر شده اند گاهی تشخیص آنها از یکدیگر دشوار به نظر می رسد. توجه به شعر و بازی های کودکان نیز از جمله موضوعاتی است که در داخل فولکلور به چشم می خورد. (بختیاری، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۳)

از آنجایی ادبیات و شعر کهن پارسی، گاه تبلور اوج لحظه های کشف و شهود شاعر است و عوام را راهی به اعماق آن نیست؛ کودکان از دایره فهم این اشعار بیرون می مانند. در دهه های اخیر شعر و ادب فارسی تحول عظیمی یافته و همراه با تحرکات اجتماعی و سیاسی، راه خویش را به طرح مسایل روزمره جامعه گشوده و کوشیده است تا خود را با سطح درک و فهم مخاطبانش که عموم مردم هستند، سازگار کند. یکی از تبعات این نهضت، ظهور مقوله ی جدیدی در عرصه ادبیات با عنوان ادبیات کودکان و نوجوانان است (محمدی و قائینی، ۱۳۸۱: ۸۹).

ادبیات کودکان عبارت است از: کلیه ی تلاش های هنرمندانه ای که در قالب کلام برای هدایت کودک به سوی ((رشد)) با زبان و شیوه ای مناسب و درخور فهم او صورت گرفته است یا می گیرد و از اهداف آن، برانگیختن ذوق و علاقه ی مطالعه در کودکان، آشنا کردن کودکان با مسائل گوناگون زندگی سودمند کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان، آشکار سازی و تعمیق استعدادهای ذهنی مختلف کودکان و نوجوانان است. ادبیات کودکان شامل قصه، شعر، نمایش افسانه و داستان است. از جمله اهداف ادبیات کودکان و نوجوانان افزایش آگاهی و رشد اجتماعی مخاطبان خود است. از طرفی دیگر، یکی از اهداف عالییه ی نظام رسمی آموزش پرورش کشور، اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است. زیرا اجتماعی کردن کودکان موجب ارتقاء سازگاری و عملکرد تحصیلی در آنان می گردد. شواهد زیادی نیز وجود دارد که نشان می دهد ویژگی های رفتار اجتماعی کودکان در سازگاری در مدرسه و عملکرد تحصیلی نقش دارد.

قصه‌ها نقش بسیار بزرگی در انتقال فرهنگ و ادب و سرگذشت گذشتگان به آیندگان خصوصا در انتقال موضوعات کودکان دارند. محمدرضا بختیاری در کتاب خویش تحت عنوان ( فولکلور و ادبیات عامیانه) چنین آورده است: افسانه، در لغت به معنی داستان، قصه و سرگذشت است اما در اصطلاح معانی مختلفی دارد. گاهی به نوعی از اشعار هجایی که برای سرگرمی کودکان می‌خوانند. گاهی به داستان‌های منظوم و منثور که در متون گذشته آمده است. داستان‌هایی قهرمان آن، واقعی است و دارای شاخ و برگ است و اتفاقاتی در آن رخ می‌دهد. گونه‌ای دیگر از قصه‌ها که جزو آثار فولکلوریک هستند که قصه‌های کودکان را در بر می‌گیرد. (بختیاری، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۳)

رشد اجتماعی، بخش مهمی از رشد همه جانبه‌ی کودکان است. این جنبه از رشد، ارتباط نزدیکی با ادبیات کودکان دارد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تقویت رفتارهای مثبت اجتماعی کودکان به صورت مستقیم یا از راه پند و اندرز میسر نمی‌گردد، بلکه آرایه‌ی الگوهای مناسب در عمل یا از طریق شخصیت‌پردازی‌های جذاب در داستان‌ها، اشعار، سرگذشت‌ها و... در این زمینه تأثیر گذاری بیشتری دارد. اما این اثر بخشی در صورتی امکان پذیر است که پدید آورندگان آثار کودکان از روند جامعه پذیری آنان آگاه باشند، عوامل مؤثر در این فرایند را شناسند، از مراحل و چگونگی رشد اخلاقی کودکان اطلاع کافی داشته باشند و از انگیزه‌های کودکان در انجام رفتارهای اجتماعی و اخلاقی باخبر باشند. (قاسم زاده، ۱۳۸۵: ۵۶)

«اشلیستر و برک» (۱۹۹۴) در مقاله‌ای با عنوان (( استفاده از کتاب‌ها برای تقویت رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان، مراحل کتاب‌درمانی را از طریق شش کتاب داستان و سؤال‌ها و بحث‌های مربوط به هر یک معرفی می‌کنند. به عقیده آنها فرایند کتاب‌درمانی چیزی بیش از خواندن داستان، کتاب و گفتگو درباره آن است. بیشتر متخصصین پنج یا شش مرحله را برای این فرایند شناسایی کرده‌اند که با آماده کردن ذهن دانش‌آموزان آغاز می‌شوند. هنگامی که اشتیاق و علاقه دانش‌آموزان با سؤال‌های مقدماتی و یا بحث درباره رویدادهای موجود در داستان برانگیخته می‌شود، انگیزه خواندن و کوشش دادن به داستان نیز بالا می‌رود. دانش‌آموزان باید داستان را بخوانند و یا به آن گوش دهند. سپس به آنها فرصت داده شود تا درباره داستان فکر کنند. بیشترین مقدار زمان، صرف پاسخ و واکنش دانش‌آموزان به متن می‌شود. بحث‌های پی‌درپی داستان از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا در همین زمان است دانش‌آموزان حوادث و شخصیت‌های دانش‌آموزان، حوادث و شخصیت‌های داستان را با تجربه‌های شخصی خود پیوند می‌دهند. معلم، کتابدار یا درمانگر نقش تسهیل‌کننده دارد که با طرح سؤال‌های (( چرایی)) به آنها در کسب بینش یاری می‌رساند.

در مجموع ارتباط ادبیات کودکان و نوجوانان در رشد اجتماعی آنان بیشتر در قالب نظریه پرداز می‌مطرح شده است و لازم است هرگونه تلاش در خصوص رشد اجتماعی بر اساس مطالعات دقیق انجام می‌گیرد. لذا این مطالعه درصدد است تا ارتباط علاقه به ادبیات کودکان و نوجوانان با رشد اجتماعی دانش‌آموزان به صورت میدانی و در قالب روش همبستگی اجرا گردد. (ملکیان، ۱۳۸۵: ۷۵)

پرسش‌هایی که در این جستار آمده است، در ارتباط با کتاب‌خوانی دانش‌آموزان است به طوری که میزان علاقه دانش‌آموز به کتاب‌خوانی و نوع کتاب‌های مورد مطالعه را در پیش‌بینی رشد اجتماعی آنان مورد پرسش قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که ملاک محققان برای دسته‌بندی کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان بر اساس محتوای این کتاب‌ها صورت گرفته است (به طور مثال محتوای کتاب‌هایی که دربرگیرنده‌ی قصص قرآنی، احادیث و روایت و سرگذشت انبیا و بزرگان دین باشد در دسته کتاب‌های مذهبی قرار می‌گیرد). همچنین در دسته‌بندی انواع کتاب‌های کودک و نوجوان منابع موجود در این زمینه مانند استفاده شده است. سیر تکاملی ادبیات کودک چگونه شکل گرفته است؟ چه لزومی دارد که در جامعه به ادبیات کودکان توجه شود؟ دیدگاه‌های مختلف ادبیات کودک کدامند؟ تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی چه تأثیری در رشد و تکامل ادبیات کودک دارد؟

در باره ی پیشینه تحقیق، موضوع مقاله حاضر تحقیقات و پژوهش های گوناگونی انجام گرفته و کتاب ها و مقالات تنوعی به رشته تحریر درآمده است. گاهی کتاب های ادبیات کودک و نوجوان بر اساس محتوای قصص قرآنی و احادیث شکل گرفته اند. بیدگلی مشهدی، جمشید و پدram، احمد (۱۳۸۳) تحت عنوان استفاده از ادبیات (شعر) بر حفظ و ارتقای بهداشت و سلامت روان، قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۵) ضرورت آشنایی با روان شناسی رشد در ادبیات کودکان. محمدی و محمدهادی؛ قائینی، زهره (۱۳۸۱) تاریخ ادبیات کودکان ایران. بختیاری، محمدرضا (۱۳۸۵) در کتاب آموزش مدرت، تربیت برتر و... عنوان کتاب بعدی، فولکلور و ادبیات عامیانه (۱۳۸۶). سرشار، محمدرضا (۱۳۸۹) با عنوان گذری بر ادبیات کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۴) با عنوان ادبیات کودکان. خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲) با عنوان در آمدی بر فلسفه ادبیات کودک، از نمونه پژوهش هایی هستند که در حیطه موضوع مقاله حاضر انجام یافته است.

### نقش ادبیات در آرامش روحی و روانی کودکان و نوجوانان

در تمام قرن های گذشته، داستان به عنوان وسیله ای برای ارضای نیازهای روحی-روانی کودکان و حتی بزرگسالان به کار گرفته می شد. داستان به کودک فرصت می دهد امیال و محتویات «ناخودآگاه» خود را تعبیر نموده و محیط زندگی خود را بشناسد. داستان سبب می شود کودک، بدون اینکه دچار ترس و ناراحتی شود، از حیوانات و اشیای آزارسان اجتناب ورزد. داستان به خاطر اینکه عبارت های خشک و بی روح کتاب های درسی را ندارد بهتر و آسان تر می تواند اطلاعاتی را در اختیار کودکان قرار دهد و علاقه به یادگیری واقعی را در آنها به وجود آورد. به طور کلی، داستان به شرط اینکه درست و دقیق انتخاب شود، بیش از دیگر وسایل تربیتی در رفتار کودک مؤثر است. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲: ۷۶)

مطالعه کتاب به خصوص داستان، به کودکان و نوجوانان کمک می کند تا شناخت لازم از خود به دست آورده و به ویژگی های خاص شخصیتی خود همانند کمرویی، خجالتی بودن و ... پی ببرند و درک بهتری از پیچیدگی فکر، رفتار انسان و ارتباط آن با ویژگی های شخصیتی به دست آورند و به سلامت فکری لازم برسند (پریخ، ۱۳۸۲: ۲۴). «گلدینگ» معتقد است با مطالعه کتاب، علاوه بر پالایش درونی، بینش یا تقلید رفتار شخصیت شکل می گیرد. برخی پژوهشگران و صاحب نظران در رابطه با آثار مطالعه داستان و دیگر منابع، پژوهش هایی انجام داده و به گزارش تجربه ها و نظریه ها پرداخته اند. مطالعه «هیز» و «امر» نشان داد که چگونه ۲۷ دانش آموز هفت تا شانزده ساله، توانستند پس از مطالعه داستانی که بر مقابله با مشکل تأکید داشت، بیماری دیابت خود را کنترل کنند. مطابق یافته های این پژوهش، شناخت از خود کلید حل مشکلات معرفی شده و توصیه شده در صورت معرفی کتاب برای مطالعه، باید دقت شود که محتوای آن، خواننده را به سوی کسب این شناخت هدایت کند. همچنین، کتاب باید برای کودک و نوجوان امکان همانندی فراهم ساخته و آنها را در شناخت ارزش ها و درک آرامش و امید کمک کند (همان: ۲۴).

پژوهش های دیگری نیز به نتایج مشابهی دست یافته و یادآور شدند که اگر کودکان و نوجوانان با خواندن کتاب های مناسب بتوانند وجه اشتراکی بین احساسات، توانمندی ها یا مشکلات خود و شخصیت های داستان پیدا کنند، شناخت بهتری نسبت به آن حالت ها به دست می آورند و با صحبت کردن درباره آن بینش لازم نسبت به این امور را کسب می کنند و در صورت بروز مشکل می توانند به حل آن بپردازند. همانندسازی و نتیجه آن (یعنی شناخت)، امکان بحث و برون ریزی احساسات (یعنی تخلیه هیجان) از جمله مزایای کتاب خوانی برای رشد شخصیت و حل مشکلات به شمار می روند. (همان: ۲۵)

داستان ها از دو بعد «پیشگیری» و «درمان» به کودکان سالم و ناهنجار کمک می کنند. کودکان، با افرادی که اعتماد به نفس دارند، همانندسازی کرده، آنان را به عنوان الگو رفتار خود برمی گزینند. (پریخ، ۱۳۸۲: ۳۸). هنگامی که کودک متوجه می شود کودکان دیگری نیز در تجربه وی سهیم هستند، از تنهایی بیرون آمده و احساس آرامش می کند. هنگامی که کودک حقیقت و کنه زندگی را در امید به آینده، کشف موهبت های شیرین زندگی و بهره بردن از آنها و دوست دوستی دادن به دیگران جستجو

کند، می‌تواند بینش و شناخت خود را نسبت به زندگی گسترش دهد. به سخن دیگر، کودک در می‌یابد که در پس زندگی و حوادث ناخوشایند آن مفهوم دیگری نهفته است و او نباید دچار یأس و سرخوردگی شود. همه این آموزش‌ها در تار و پود داستان‌ها مناسب کودکان نهفته و بر ضمیر آگاه و ناخودآگاه کودک اثر می‌گذارد. (همان: ۴۴)

مفاهیم و ارزش‌های موجود در داستان‌ها موجب می‌شود کودک، مفاهیم و نظریات شخصی خود را با آنها مقایسه کرده و در صورت تضاد با آنها، برون‌سازی کند. کودک با شخصیت‌های داستان به طور غیر مستقیم در تعامل است و از طریق رویدادهای داستان با اطلاعات جدیدی روبه‌رو می‌شود که ممکن است در هیچ جای دیگر با آنها برخورد نکند؛ از این رو تلاش می‌کند آنها را در طرح واره یا الگوهای خود برون‌سازی کند. ویژگی سرگرم‌کنندگی، آرام‌بخشی و لذت‌بخشی داستان‌ها همانند یک نیروی محرکه عمل کرده و تحول ساختارهای ذهنی را در کودکان سریع‌تر و آسان‌تر می‌کند. به بیان دیگر، هنگامیکه قصه و داستان اشتیاق کودک را برمی‌انگیزد، تلاش برای برقراری تعادل در او تقویت می‌شود. کودک به دلیل سن کم خود نمی‌تواند همه چیز را تجربه کند ولی داستان او را در موقعیت‌هایی که شخصیت‌های داستانی آنها را تجربه می‌کنند، قرار می‌دهد. کودک از طریق این تجربه‌های مشترک می‌آموزد چگونه با مشکلات و چالش‌هایی که فرصت روبه‌رو شدن با آنها را در عالم خارج نداشته، مقابله کند. (همان: ۲۲)

در واقع داستان‌ها بستر مناسبی هستند تا کودک به طور غیرمستقیم، از طریق موقعیت‌ها و شخصیت‌های آن، شناخت و بینش درستی نسبت به رفتار خود به دست آورده و به تدریج در تعدیل و رفع رفتار ناهنجار خود بکوشد. بسیاری از داستان‌ها با تأکید بر مفاهیم عاطفی و تشویق به دوستی و همکاری و همیاری، سعی در رشد و تقویت رفتارهای اجتماعی در کودکان دارند. در واقع این داستان‌ها جنبه پیشگیری دارند. امروزه کودکان در مقابل روش‌های مستقیم همچون پند و اندرز مقاومت کرده یا حتی واکنش منفی نشان می‌دهند. کودک برای برقراری تعادل مجدد، باید احساس نیاز و انگیزه داشته باشد. بنابراین، باید روش‌هایی انتخاب شود که رغبت و انگیزه کودک را برای برقراری ارتباط و تلاش در جهت کاهش رفتارهای ناهنجار برانگیزد. داستان‌ها از این ویژگی برخوردارند که مفاهیم و رهنمودهای آموزشی را به طور غیرمستقیم و با رنگ و لعاب شخصیت‌پردازی-ها و حوادث شیرین و نقل روایت‌های لذت‌بخش در هم آمیخته و همانند پلی با کودک ارتباط برقرار کنند. در واقع، می‌توان از ویژگی و مؤلفه مهم داستان یعنی عاطفه، که به جذابیت‌های متن می‌افزاید، بهره گرفت و رشد شناختی کودک را شتاب داد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲: ۳۶)

### نقش ادبیات در جهت کسب تجربیات جدید

ادبیات کودکان و نوجوانان همواره تلاش کرده است پاسخگوی علاقه‌ها و کنجکاو‌های متنوع کودکان باشد. پهنه داستان و شعر اغلب به نیازهای عاطفی و حسی کودک و عرصه ادبیات غیرداستانی پاسخگوی نیازهای شناختی کودکان است. اما نباید از نظر دور داشت که بین این نیازها مرزهای روشن و تفکیک شده‌ای وجود ندارد. گاه نیازهای شناختی کودک از راه قصه، داستان و حتی شعر هم برآورده می‌شود و برعکس. (قزل ایاغ، ۱۳۸۳: ۲۰۵)

کودکان و نوجوانان ضم داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجارب زندگی از جمله شادی و غم، کامیابی و ناکامی، امیدواری و نومیدی، محرومیت، ستم و ستمکار، عدالت و عادل، علم و عالم، دموکراسی و استبداد و همه رنج‌های زندگی آشنا شده و آنها را تجربه می‌کنند. نقل حکایات و ذکر وقایع و حوادث و داستان‌سرایی از جمله هنرهای زیبایی است که بیش از دیگر هنرها در پرورش کودک و انتقال تمدن و فرهنگ و اطلاعات آبا و اجدادی به فرزندان مؤثر بوده است. گذشتگان، تاریخ و آداب و رسوم خود را به وسیله داستان به کودکان تلقین کرده و کارها و دلاوری‌های پهلوانان را برای ایشان بازگویی می‌کردند و تخم مهر و محبت نسبت به قبیله و طایفه، شجاعت و شهامت را در دل آنها می‌افشاندند و آنها را به طور غیرمستقیم، به بزرگواری و فداکاری در راه میهن تشویق می‌کردند.

افراد بزرگسال این توانایی و حوصله را دارند که بسیاری از تجارب، حقایق و امور را در قالب پند و نصیحت و خطابه بشنوند یا بخوانند؛ اما کودکان موجودات ظریفی و حساسی هستند و قدرت درک بسیاری از حقایق از جمله حقیقت انکار نشدنی حقیقت جویی را ندارند. حقیقت جویی یک نیاز فطری است و باید برای برآورده ساختن این نیاز فطری در کودکان و نوجوانان، از یک فرآیند صحیح و از پیش برنامه‌ریزی شده استفاده کنیم. قصه گوئی و داستان‌خوانی یکی از این راه‌های اصولی است. انسان‌ها همه از خواندن و شنیدن لذت می‌برند. مردم تلخ‌ترین حقایق را آنگاه که در قالب داستانی لطیف، جذاب و شنیدنی بیان شده باشد، چون شاهد شیرین و گوارایی در کام جان می‌ریزند. پس کودک به اقتضای موقعیت سنی خویش، طالب قصه و سرگرمی است و بیش از دیگران می‌تواند از این طریق این مطلوب، شربت‌های تلخ و شیرین حقایق را بچشد و خود را برای رویارویی با حقایق آزارنده‌ای، چون مرگ و نیستی عزیزان و از دست دادن دوست داشتنی‌ها و... مهیا سازد و یاد بگیرد که چگونه باید با سختی‌ها و مرارت‌ها دست و پنجه نرم کرده و تسلیم حوادث نشود. (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۵۲)

از آنجا که کودکان و نوجوانان احساس‌ها، توانمندی‌ها و مشکلات متفاوتی دارند و دارای ویژگی‌های شخصیتی گوناگونی هستند، ضروری است نیازهای آنان شناسایی شود. در صورت شناسایی این نیازها می‌توان کتاب‌های مناسب برای هر نیاز را توصیه نمود. مطالعه کتاب‌های خواندنی متناسب با نیازهای آنان می‌تواند به عنوان منابع اطلاعاتی به شمار رفته و فرصت‌های لازم را برای پاسخگویی به نیازها، از طریق افزایش شناخت آنان نسبت به خود و محیط اطراف فراهم آورد. (علوی، ۱۳۸۲: ۸۰)

### بررسی ادبیات کودکان از دیدگاه‌های مختلف

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی (کتاب و مقاله) گفته می‌شود که به وسیله متخصصین برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است. ادبیات کودکان با این تعریفی که گفته شد تمام مسایل مربوط به زندگی را در بر می‌گیرد و کودک و نوجوان را در تمام شئون زندگی کمک می‌کند، قدرت تحلیل را گسترش می‌دهد و تجربه‌های متعدد و متنوعی را در اختیارشان قرار می‌دهد. (همان: ۶۷)

"اف، جی، هاروی دارتون" به روش کلاسیک، تفاوتی را که منتقدین بین کتاب‌های آموزشی و ادبیات کودکان قایل می‌شوند، بیان کرده و می‌گوید: «منظورم از کتاب‌های کودکان کارهای چاپ شده‌ای است که صرفاً برای اینکه به کودک لذت بدهد، تألیف می‌شود. به کارهایی که هدف اصلی آنها تعلیم و آموزش کودکان یا ساختن افرادی مناسب است». (دارتون، ۱۹۸۲: ۳۲) اولین و اساسی‌ترین اقدامی که منتقدین درباره تعریف ادبیات کودکان انجام می‌دهند، فرق گذاشتن بین کتابهای آموزشی و ادبی است. (پیترهانت، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۲)

### نقش کودکان در ادبیات به گونه‌های مختلفی است:

#### ۱. افزایش داستانهای واقعیت‌گرا

ادبیات کودکان و نوجوانان قبل از انقلاب، حتی در اوج شکوفایی‌اش به شدت دچار کمبود واقعیت‌گرایی مربوط به زندگی خود مخاطبان بود. اغلب یا داستانهای رمزی یا افسانه‌های بازنویسی از داستان‌های عامیانه و متون کهن بودند. اگر تعداد معدودی از آنها، داستان‌های ظاهراً به زندگی کودکان آن روز ایران مربوط بودند، یا ساخته و پرداخته تخیل شاعرانه یا افکار سیاسی نویسندگان یا توسط نویسندگانی از طبقه مرفه بودند. (سرشار، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۸)

#### ۲. ظرافت‌های داستانی و قصه برای کودکان

در هر قصه عوامل مختلف و متعددی وجود دارد که در صورت جمع شدن با هم، در مجموع باعث می‌شوند که قصه، بر دل خواننده بنشیند و اثر عمیق و پایا بر او بگذارد. اشاره به بعضی حالات و حرکت‌های ریز که حس‌های آشنایی را در ما بر می‌انگیزد و باورها را نسبت به داستان تقویت می‌کنند. از این موردها، در قصه هیزم مشاهده می‌شود:

«کلاغ سیاهی در حالیکه به شدت می‌لرزید و منقارش به هم می‌خورد گفت: نمی‌دانم چرا اینقدر سرد شده است، تو راست گفتی چنار بلند، زمستان امسال خیلی زود از راه رسیده است». ( رهگذر، ۱۳۶۸: ۱۵۲)

### ۳. ایدئولوژی و ادبیات داستانی کودکان

ایدئولوژی به روشهای دقیق تر و عمیق تر در داخل متون گنجانده می‌شود. تأکید اصلی در نقد کتابهای کودکان، بر شخصیت‌ها و چگونگی ارایه این شخصیت‌ها بود. همچنین رابطه خواننده و متن، یک رابطه ساده در نظر گرفته می‌شد. این مسئله مقوله پرورش کودک و بویژه مقوله تعلیم و تربیت کودک، وجود اختلاف دیگری را این بار بین طرفداران جبرگرایی و معتقدان به اراده‌گرایی آشکار می‌سازد. (پیترهانت، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۳)

### ۴. نقش کودکان و نوجوانان در خلق آثار ویژه خود

یکی از پدیده‌های حول ادبیات کودکان و نوجوانان ایران که در پس انقلاب رخ داد، جسارت و داده شدن امکان به کودکان و نوجوانان در قلم به دست گرفتن و نوشتن داستان، سرودن شعر، و شرکت وسیع آنان در تولید ادبیات خاص خود بود. برای نخستین بار شاهد جُنگ‌های ادبی بودیم که مطالب آنها گاه تا حدودی از خود بچه‌ها بود. این مجموعه تعدادشان به پانزده جُنگ می‌رسید. ( سرشار، ۱۳۸۹: ۴۲)

### ۵. پارادوکس در جامعه‌پذیری، خلاقیت ادبیات کودک

ادبیات کودک از آنجا که متکی بر دو کس است، بزرگسال و کودک، که بر خواسته از چالش‌ها، کشش‌ها و گرایش‌های دوگانه است. خصلت عمده آن نیز آموزشی بودن است و بنابراین محوری‌ترین بحث نظری آن، گشودن تناقض یا تناقض‌های اقتدار، بدعت و یا در نهایت جامعه‌پذیری خلاقیت است. گشودن پارادوکس، جامعه‌پذیری، خلاقیت بنیادی‌ترین بحث در هر فلسفه‌ای از ادبیات کودک است. ( خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۳۸)

### ۶. فلسفه ادبیات کودک، فلسفه‌ای تجویزی و توصیفی

این فلسفه از آنجا برای تدوین و تولد خویش مبتنی بر توصیف کودکی و نیز توصیف ادبیات کودک است. فلسفه‌ای توصیفی و از آنجا مبتنی بر این توصیف به سوی ارزش‌گذاری بر روش‌های ویژه در آفرینش و عرصه اثر ادبی کودک خواهد گرایید، فلسفه‌ای تجویزی است. وجه نظری آن، توصیف کودک، ویژگی‌های شخصیتی، شناختی و عاطفی او و توصیف ادبیات کودک و تعریف ویژگی‌های محتوایی آن است. ( همان: ۳۹)

### بررسی ادبیات کودکان از لحاظ روانشناسی

نقد کلاسیک فرویدی، اثر را روایتی آسیب‌شناسانه تفسیر می‌کند. فروید در کتاب «ارتباط شاعر با خیال‌پردازی» رابطه اساسی بین کودک و بازی شاعر و زبان آن را اینگونه بیان کرد: «هر کودک هنگام بازی، شبیه یک نویسنده خیالی رفتار می‌کند، زیرا او در این هنگام دنیای خویش را به وجود می‌آورد و یا چیزهای موجود را در این دنیا به گونه‌ای نظم می‌بخشد که خودش دوست دارد. زبان این رابطه بین بازی کودکانه و آفرینش شاعرانه دقیقاً مثل رابطه بین رویا و متن نوشته شده، در نظر می‌گیرد. فروید چنین فرض کرد که تمام علایم روان‌نژندی‌ها، از طریق تضادهای روانی موجود بین تمایلات جنسی یک شخص و خرده‌گیریها یا انتقادات جامعه پدید می‌آید. (پیترهانت، ۱۳۸۲: ۱۸۷)

بی‌خیال بودن و نداشتن آگاهی نسبت به محیط از عناصر معصومیت کودکی است. کودک نظاره‌گر ماهی نیز همسان با خود ماهی بی‌خیال مشغول تماشای آن و در تصور خود مشغول گفتگو با وی است:

ناگهان گربه‌ای دوید و پرید/ چنگ زد توی حوض خانه ما/ من ندیدم چه شد ولی گربه/ پس از آن زود رفت از آنجا ( خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۷۵).

کودکان اغلب زبان خاص خودشان را دارند. آنها ممکن است به گوش بزرگترها آشنا باشند، اما آنها اغلب برای این کلمات معانی کاملاً متفاوتی در ذهن دارند. «ژان پیاژه» تحقیق درباره زبان را با مشاهده دو پسر شش ساله آغاز کرد. به مدت یک ماه او در یک گوشه می نشست و بدون دخالت تمام مکالمات آنها را ثبت می کرد. مشاهدات کشف کرد که تکلم کودکان دو نوع اساسی تقسیم می شود: تکلم خود میان بین و تکلم اجتماعی شده (امین پور، ۱۳۸۶: ۳۵ - ۳۶). نگرش دیگر مبتنی بر خودمداری و خود محوری کودک است، اصطلاح خودمداری که در اینجا بکار می بریم، نباید با مفهوم خود یکی دانست. خودمداری یعنی آنکه در تجارب کودک، هنوز چیزهای زیادی است که با دریافت عاطفی او هموردی کند. خردسالان نمی توانند غیر از وجود و هستی خود، دیگری را تصور کنند. این گمان از تجربه‌ی حسی ناشی می شود، کودک در تجربه حسی می بیند وقتی راه می رود، ماه هم حرکت می کند و وقتی می ایستد، ماه هم می ایستد (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۵۶). زمانی که کودکان شروع به استفاده از زبان اجتماعی می کنند، مرحله تفکر شهودی نامیده می شود که از چهار تا هفت سالگی است. پیاژه مکالمات این دوره را به شش نوع تقسیم می کند: ۱- همخوانی با اعمال دیگران ۲- همکاری در عمل ۳- ستیزه ۴- استدلال ۵- همکاری در تفکر تجریدی ۶- استدلال واقعی.

اگر بپذیریم که شعر «حادثه یا رستاخیزی است در زبان» آنگاه می بینیم که این حادثه ها در زبان کودک هم کم اتفاق نمی افتد. (امین پور، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۷) بازی دراماتیک یا داستانهای نمایشی: بازی دراماتیک امروزه در جامعه‌های پیشرفته جزو برنامه درسی شده است زیرا به این اصل روانشناسی متوجه شده‌اند که کودک وقتی داستانی را می خواند، علاقمند است خود را با خصایص قهرمان‌های آن داستان دراماتیک خلاق همانند و یکی نماید. بازی دراماتیک فعالیتی است که توسط گروهی از کودکان انجام می شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۳۰-۱۲۹).

یکی از ویژگی‌های ارزنده ادبیات فارسی آن است که سرشار از داستان‌های حماسی، مذهبی، عرفانی درباره شخصیت‌هایی است که برای کاستن از رنج بشر تلاش می کنند. نویسندگان پارسی نویس داستان‌های کودکان و نوجوانان می توانند از این گنجینه عظیم استفاده کنند و الگو و اسوه‌ها و سرمشقی جاودانه را به نوجوانان ارایه دهند (حکیمی و کاموسی، ۱۳۸۲: ۲۵). در داستان‌های نمایشی کودک تجربه شخص دیگری را بصورت زنده تفسیر می کند، وقتی کودکان خردسال نمایش می دهند واقعاً خود را همان شخص یا حیوان احساس می کنند و در عالم خیال خود به همان تجربه می پردازند. ارزش مهم بازی دراماتیک این است که فرصت خوبی برای رشد و کمال و تعبیر عواطف بشمار می رود (شعاری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۲۹). با پیشرفت غیرقابل تصور و چشمگیر قدرت ذهن بشر، اعتقاد به تربیت آزاد یا غیرقابل محدود به محیط و سن یعنی مکان و زمان افزایش یافته است. مدرسه یا شرایط موجود (تراکم محصل، کمبود معلم ورزیده، و فضای آموزشی ...) دیگر، تنها محیط مساعد برای تعلیم و تربیت نیست. یکی از راهکارها و وسایل و امکانات تربیت مداوم و مطلوب غیرمستقیم، کتاب است. آنهم کتابی که در چارچوب ادبیات کودکان و نوجوانان جای دارد. (حجازی، ۱۳۸۰: ۸۸)

کودک، یک نماد است و دلیلی بر وجود خلقت هر تولدی مظهر جدیدی از هستی است. کودک نماد سعادت از دست رفته، جامعه جدید و در عین حال عامل کسب دوباره آن به حساب می آید. بی تردید او عامل بیداری خود ما و جامعه ما می شود. جامعه جدید معتقدند که کودکان دارای دو خصوصیت متضاد هستند، هم فاقد قدرت اند و هم منجی جهان. (بهداد، ۱۳۸۹: ۹)

انواع ادبیات کودک و نوجوان. این ادبیات یا منثور است و مشتمل بر ادبیات داستانی (قصه، داستان)، ادبیات نمایشی (نمایشنامه، فیلمنامه)، نثر ادبی (قطعه ادبی، انشا) و یا غیرمنثور است و شامل شعر، قصه منظوم، منظومه. قصه را در مفهوم کلی‌اش به انواعی تقسیم کرده‌اند: افسانه، افسانه تمثیلی، تمثیل اخلاقی، قصه-مثال، حکایت لطیفه‌وار،

افسانه پریان، افسانه پهلوانان، رمانس و اسطوره. داستان را از حیث قالب، به داستان کوتاه و داستان بلند تقسیم کرده‌اند. پیداست که این انواع در ادبیات کودک و نوجوان متناسب با ظرفیت و حوصله و ذوق کودکان شکلی متفاوت با حوزه ادبیات بزرگسالان به خود می‌گیرد. در حوزه کودک، به علت علاقه مخاطب به تصویر، شکل داستانها نسبت به داستانهای بزرگسالان، متفاوت و اغلب مصور است. انقلاب مشروطیت و ورود صنعت چاپ به ایران و گسترش اندیشه‌های آزادیخواهانه و نو شدن اندیشه‌های تربیتی، تأسیس مدارس جدید، همگی سبب شد که کودکان در مرکز دایره توجه قرار بگیرند و بتدریج دارای ادبیات خاص خود شوند.

از آغاز نخستین کتاب‌های آموزشی کودکان که پیشینه آن به دوره مشروطه باز می‌گردد، تا آن زمان که وزارت معارف و وزارت فرهنگ به یکسان سازی کتاب‌های درسی پرداخت، نقش و جایگاه ادبیات و گونه‌های ادبی در کتاب‌های درسی دگرگونی‌هایی را همراه داشت. در دوره مشروطه و سال‌های پس از ۱۳۰۰، نخستین آشنایی کودکان با ادبیات از راه کتاب‌های درسی انجام می‌شده است و از آنجا که نویسندگان کتاب‌های درسی بیشتر آموزگار بودند و ادبیات را تنها ابزاری برای انتقال پندها و آگاهی‌ها می‌دانستند، بخش بزرگی از ادبیات کتاب‌های درسی را «ادبیات تعلیمی» تشکیل می‌داد. (حسینی، ۱۳۸۵: ۹۵)

در سال ۱۳۱۰ فعالیت‌های ادبی هدایت، ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند و وارد حوزه‌های جدیدی می‌شود. او داستان‌های کوتاهی را از آنتوان چخوف، گاستون شرو و آرتور شنترسلر از زبان فرانسه ترجمه و در مجله افسانه منتشر می‌کند. در همین سال در این مجله دو داستان کوتاه «در دل میرزا یدالله» - بعدها با نام «محلل» - و «حکایت با نتیجه» را چاپ می‌شود. «حکایت با نتیجه» نقیضه حکایت‌های پندآموز قدامت (هدایت، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱).

در آغاز دهه چهل قرن معاصر با گسترش شهرنشینی و رشد طبقه متوسط، ایران وارد مرحله جدیدی از حیات اجتماعی شد که یکی از نشانه‌های آن تغییر در نظام آموزشی و کتاب‌های درسی و پرورشی بود. قدرت خواندن کودکان از سال دوم ابتدایی چنان شد که جمله‌های ساده با حروف درشت را می‌توانستند بخوانند. مواد خواندنی ساده و دسترس پذیر و متمرکز یعنی خواندنی‌های پیک با همکاری موسسه فرانکلین و آموزش و پرورش به چاپ رسید و از چهره‌های سرشناسی از جمله پروین دولت آبادی، محمود کیانوشی با آن موسسه همکاری داشتند.

تألیف اولین کتاب درسی در زمینه ادبیات با عنوان «اصول ادبیات کودکان» در سال ۱۳۴۰ توسط دکتر علی اکبر شعاری نژاد صورت گرفت. در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب با همت جمعی از فرهنگیان، کتابداران، نویسندگان و تصویرگران به قصد اشاعه آثار ادبی و کمک به گسترش کتابخانه‌های کودکان تأسیس شد و در سال ۱۳۴۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پا به عرصه وجود گذاشت. در این دوره کودکان ایران برای اولین بار صاحب آثاری شدند که از نظر کیفیت ارایه، تصویر، چاپ و صحافی و صفحه آرایی به الگوهای بین المللی کتاب کودک نزدیک شده بود. «کانون پرورش فکر کودکان و نوجوانان علاوه بر تهران شعب کانون در شهرستان‌ها به ویژه مراکز استان‌ها، کتابخانه‌هایی دایر کرد و کودکان علاقمند به کتاب را گرد آورد و گروه کثیری از مترجمان و مولفان و نقاشان و مصوران جوان و با استعداد را جذب کرد و با کمک آنان و به مدد امکانات مالی ویژه‌ای که داشت کتاب‌های زیبا و خوش چاپ با کیفیت مطلوب به هر دو صورت تألیف و ترجمه در مقیاس بسیار وسیع و مناسب در هر سنی در اختیار کودکان و نوجوان کشور گذاشت». (همان: ۲۵۰)

### ادبیات کودک در عصر جدید

وقوع انقلاب اسلامی به مثابه یک واقعه عظیم تاریخی و اجتماعی تأثیر خود را بر همه وجوه زندگی مردم ایران از جمله ادبیات تثبیت کرد. در این میان شعر کودکی از پرداختن به مضمون‌های انقلاب غافل نماند. در این اشعار به همراه ستایش از وقوع آن، گاهی حوادث مهم نیز به تصویر کشیده شده است (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). زبان شعری ایرج میرزا با سهل و ممتنع گویی، یعنی باری که از ادب کهن بود و نوگرایی یعنی محصولی که ایرج در شعر دیگران نیز پس از مشروطه بدست آوردند، و توانست

شعر را از تفنن و توجیه به سوی هدفمند بودن برای کودک بکشاند و در واقع اولین جوانه‌های شعر آموزشی به معنی جدید را باید در آثار ایرج دید از قبیل:

«درس و مشقم چون ناتمام بود/ بازی از بهر من حرام بود/ در سر کار بی مصرف/ نکنم هیچ، وقت خویش تلف» (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۰۷-۱۹۶).

ادبیات عام بخش مهمی از فرهنگ فولکلوریک هر قوم و قبیله‌ای تشکیل می‌دهد، ادبیات عامیانه عموماً در میان جوامعی که به حفظ سنت‌ها پایبند ترند بیشتر رواج دارد و اساساً ادبیات شفاهی در جوامع سنتی به ویژه در روستاها بیشتر نمود دارد و در ذهن و زبان روستاییان جای دارد. ادبیات عامیانه علی‌رغم اینکه جنبه سرگرم کننده داشته باشد، در پرورش و آموزش مردم و همچنین در انتقال پیام‌ها و تجربه‌ها نقش فراوانی دارد (علی پور، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴). نقشی که هنر و ادبیات توانسته بر عهده بگیرد و توجه مربیان و خانواده‌ها را به خود جلب کند، نقشی است که در «رشد ذهن» کودکان و نوجوانان و گرایش آنان به خلاقیت و آفرینش ایفا می‌کند. زیرا آثار ادبی و هنری، علاوه بر سرگرمی، لذت، افزایش آگاهی، آشنایی با زیبایی و تعالی معیارهای آن، آنان را به نوعی تجربه ذهنی رهنمون می‌سازد. حالا فرق نمی‌کند این تجربه کسب شده از طریق یک اثر هنری یا ادبی در واقعیت روی دهد. (همتی، ۱۳۹۲: ۸)

داستان واقعه‌گرا علاوه بر اینکه می‌تواند شبکه‌های اجتماعی را بازنمایی کند و به کودک امکان دهد از طریق تجربه داستان جای خود را در زمان و مکان بازنمایی کند، «ارزش اجتماعی» می‌توان مبارزه آدم‌ها در آنچه خیر شمرده می‌شود و مقابله با آنچه شر به حساب می‌آید. مسئله اصلی در پرداختن به مسایل اجتماعی و اخلاقی در داستان واقعه‌گر کودک این است که نویسندگان نباید وعظ کنند و یا به جای خواننده تصمیم بگیرد. (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۲۸۰)

افلاطون یکی از فیلسوفانی بود که خاطرنشان کرد که کودکان از لحاظ استعداد فطری تفاوت دارند و در تعلیم و تربیت افراد برای شغل و کاری بخصوص باید این تفاوتها را در نظر گرفت. در فرانسه شخصی به نام شارل پرو (Charles Perrault) و در آلمان برادران گریم (Jacob & Wilhelm Grimm) قصه‌هایی که بین مردم رایج بود را گردآوری کردند. کسی که اولین بار داستان‌های عامیانه را مخصوص کودکان جمع‌آوری و منتشر ساخت «ابوالفضل صبحی مهتدی» بود. (حجازی، ۱۳۸۰: ۳۵)

رولان بارت در مقاله «ادبیات و فرازبان» از مجموعه مقاله‌های نقادی می‌نویسد: «قرنها نویسندگان ما حتی گمان نمی‌برند که بتوانند ادبیات را مانند زبان‌های دیگر، از نظر منطقی زبانی متمایز تلقی کرده، ادبیات هرگز درباره خود فکر نمی‌کرد، هرگز خود را ابزاری در آن واحد مشاهده‌گر و مشاهده شونده نمی‌دید. چه بسا همراه با پیدایش نخستین تزلزلها در شناخت بورژوازی، ادبیات دوگانگی خود را دریافت». (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۱۹)

### ادبیات کلاسیک کودک

کودکان و نوجوانان طبقات خاص ایرانی که با سواد بودند یا امکان سواد آموزشی داشتند از منبع عظیم ادبیات کلاسیک یعنی ادبیات مکتوبی که نویسنده و سبک شناخته شده داشت، استفاده می‌کردند (حجازی، ۱۳۸۰: ۳۶). دیالکتیکی و دوگانگی فصل مشترک ادبیات کودک و مطالعات کودکی دو مسیر هستند که میان رشته استوار ادبیات کودک و رشته نوپیدای مطالعات کودکی، در شرحی کوتاه، قلمروی میان رشته‌ای است که خود را با طبیعت و تجربه کودکی و شیوه‌های که فرهنگ‌های کودکی را می‌سازند، مربوط می‌کند (خسرو نژاد، ۱۳۸۷: ۴۵۷).

در ادبیات کلاسیک کتاب‌هایی که برایشان می‌خواندند و یا خود به حفظ اشعاری چون اشعار شاهنامه و مثنوی و حتی حفظ آثار منشوری چون مقدمه گلستان همت می‌گماشتند. که البته این سرگرمی یا ارضای خاطر والدین برمی‌گزیدند و یا جهت ابراز

وجود در مجامع فامیلی. هنوز هم ادبیات کلاسیک در مدارس تدریس می‌شود و حفظ اشعار اجتناب ناپذیر است. (حجازی، ۱۳۸۰: ۳۷)

### رمانتیسیم و ادبیات کودکان

رمانتیسیم رابطه‌ای آرمانی شده میان نویسنده بزرگسال و خواننده کودک بود که خارج از زیباشناسی رمانتیک شکل گرفت. و به الگویی نوشتار بعدی برای کودکان در انگلستان تبدیل شد، ادبیات تولید شده برای کودکان همواره تحت تأثیر مباحثی است که در قرن هیجدهم آغاز شدند. میل به حمایت از موجودی بی گناه با نظارت بر افکار سرکش برقرار تعادل میان آموزش و لذت و حفظ ویژگی‌های کودکان در زندگی بزرگسالی در اغلب بافت این دوران به وفور دیده می‌شود (کوگان، ۱۳۹۱: ۲۲ - ۲۳). نودلمن در ادبیات کودکان در یادداشتی ژرف اندیشانه می‌گوید: «ممکن است ادبیات کودک در کار تجهیز کودکانی باشد که زیاد ادبیات می‌خوانند. این تجهیز از راه ایجاد حس ویژه‌ای از بودن هم در کودکی و هم در چیزی فراتر از آن بیرون و برتر از آن صورت می‌گیرد و همچون آگاهی‌های دوگانه به آنان این مجال را می‌دهد که خود را با شخصیت‌های کودکان هم یکی بدانند و هم جدا». (خسرو نژاد، ۱۳۸۷: ۴۵۸)

### مدرنیسم و صداها، نو، تهدیدهای نو در ادبیات کودک

آغاز قرن جدید با واکنش گذرا به تغییرات فرهنگی و اجتماعی و بازسازی ادبیات کودک و تغییر وضعیت آن همراه بود. جدای از تجربه کودکان و بزرگسالان که نشانه‌ای از مواجهه و سردرگمی‌ای بود. هر چه از قرن بیستم بیشتر می‌گذرد، دو ترس از فاجعه آخرالزمانی بیشتر می‌شود. ارایه آینده خوش بینانه ضروری‌تر و در عین حال دشوارتر است. نگرش‌هایی که حاصل تسلط روزافزون انگاره‌های روانکاوانه بود، انگاره‌هایی که کودک را رازآمیزتر و تهدید کننده‌تر می‌ساختند. هراس از گناهکار بودن کودکان در قرن نوزدهم اکنون در قرن بیستم، جای خود را به هراس از کنش‌های کودک در جهان واقعی داده است. (کوگان، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۷)

### پست مدرنیسم و ادبیات کودک

در صورتیکه ادبیات را در نقشه‌ی تاریخ ادبیات قرار دهیم، می‌توان گرایش پست مدرن در هنر و ادبیات را همچون بازگشت یا تفاسیری در چارچوب نگرش رمانتیک رادیکال به رابطه بزرگسال خواننده تلقی کرد. نظریه پردازان پست مدرن، مانند لیوتاو، اعتبار روایت‌های کلانی را که پس از روشنگری بر تولید فرهنگی مسلط شدند، به چالش کشیدند (همان: ۱۵۸). بخش عظیمی از شعر کودک و نوجوان را نه تنها جان و روح کودک را با طعم شیرین شعر آشنا نمی‌کنند، بلکه قادرند در ذهن و زندگی او برای همیشه شعر را به عنصرهای منفی تبدیل کنند. بدون تردید نگاه منتقدانه از دیدگاه آسیب شناسی به این اشعار می‌تواند در سرنوشت شعر کودک در آینده مؤثر باشد. علاوه بر این نگاه شاعرانه به افق‌های شعر جهانی کودک و نوجوان نیز در چگونگی این محورها بی تأثیر نیست (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۵۰۷-۵۰۸).

به حاشیه راندن نوشتن برای کودکان و پیوند آن با فرهنگ عامه پسند بین ادبیات کودک و تعاریف موجود از فرهنگ فاخر که در صورت بندی پست مدرن، همواره محل مناقشه هستند، نسبت ویژه‌ای برقرار می‌کنند. چالش‌های پیش روی اعتبار فرا روایت‌ها امور مطلق روشنگری، بیان تصاویر رمانتیک کودکی بعنوان معصومیت ذاتی و استراتژی‌های پست مدرن که مشخصه‌ی هیجان انگیزترین ادبیات کودک است. (کوگان، ۱۳۹۱: ۱۵۹)

ادبیات کودک عرصه زیباشناسی خاص خود را دارد. به این مفهوم نیست که ادبیات کودک اصولی ذوقی جداگانه دارد و از چگونگی زیباشناختی متمایزی نسبت به ادبیات بزرگسالان برای رساندن پیام خود بهره می‌گیرد. ادبیات کودک مانند ادبیات بزرگسالان می‌کوشد جنبه‌های زشت و زیبا، تراژیک و کمیک و پست و بالای دنیای هستی را مورد جستجو، ارزیابی و

بازآفرینی هنری قرار دهد. چه بسا موقعیت‌هایی از نظر کودکان هزل گونه است اما از نظر بزرگسالان چنین نیست یا کودکان بر چیزهایی می‌خندند که بزرگسالان آن را خنده دار نمی‌یابند. (پولادی، ۱۳۸۷: ۳۰)

دادن انرژی مثبت به کودکان در زندگی همواره نقش مهمی در آینده آنان دارد تصور شادی های کودکان برای والدین نقش زیادی در روحیه پدر و مادر دارد. واکنش ها و نگرش های والدین ، فرزندان را می سازد توجه به خواسته های کودکان و شناخت روحیات و عواطفشان موجب پویایی و رشد کودکان خواهد شد. رفتار و منش های ما هستند که کودکان را آموزش می دهند. بازی کودک با عروسک می تواند نمودی از رفتار و منش آتی او در جامعه باشد. بنابراین ادبیات کودکان عرصه بسیار مهمی برای تعلیم و تربیت نگرش عاطفی به کودکان خواهد بود. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۱۴۲-۱۴۰)

### نتیجه گیری

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، موضوع ادبیات کودک نیز در بعد هنری آن انعکاس و ارزیابی عالم کودکی و ویژگی‌های زیباشناختی (دراماتیک، کمیک، تراژیک) آن است. که بررسی کردن این ویژگی‌ها موضوعات جدید و اطلاعات ارزشمندی به کودکان می‌دهد. نقش معرفتی ادبیات کودک این است که ما را با پدیده‌های مختلف زندگی مانند مناسبات اجتماعی انسانها، احساسات، اندیشه‌ها، عواطف، سجایا و سرشت و سرنوشت انسان آشنا می‌کند. وجوه زیباشناختی عرصه‌های زندگی کودک زیبایی‌های خاص خود را دارد که نه تنها برای کودک، بلکه برای بزرگسال هم جذاب است. کودکان با روبه روشن شدن با این مظهر خوشایند یا ناخوشایند بدلیل انگیزش عاطفی نسبت جلوه‌های خوب و بد زندگی موضع اخلاقی می‌گیرند. طی سه دهه اخیر برخی از صاحب‌نظران بحث در شالوده‌های نظری ادبیات کودکان را به سطوح آکادمیک رشد دادند و کوشش کردند تا بر پایه تحقیقات منظم و دقیق‌تر شالوده معتبری برای نقد و سنجش آثار ادبیات کودک فراهم کنند. ادبیات کودکان پدیده‌ای اجتماعی است که روند رشد آن در طول تاریخ با تحول دوران کودکی و نگرش به کودک، پیوندی ناگسستنی دارد. ادبیات هر نسل بر پایه ادبیات نسل‌های قبل از خود بنا شده است. کتاب‌های کودکان محصول زمانه خویشتن می‌باشند. آنها را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و حتی سیاسی همان زمان مورد سنجش قرار داد. با واژه‌هایی مانند لالایی‌های مادران و ترانه‌های مادر بزرگ در سطح جهانی روبرو هستیم.

ورود صنعت چاپ به ایران و گسترش اندیشه‌های آزادیخواهانه و نو شدن اندیشه‌های تربیتی، تأسیس مدارس جدید سبب شده است تا کودکان مود توجه قرار بگیرند. بتدریج صاحب ادبیات خاص خود شوند. در قرن معاصر شاهد پیشرفت‌هایی در ادبیات کودکان هستیم که از جمله در زمینه‌های نقد ادبی، ترجمه، بازنویسی، شعر، تصویر، کتاب و ... است. با همه اینها ادبیات ایران بیش از هر چیز به ترجمه شاهکارهای ادبی قدیم و جدید نیازمند است. افزایش آگاهی و گسترش جهان‌بینی کودک و وسعت دادن او نسبت به محیط اجتماعی و ضرورت‌های زندگی از وظایف نویسنده کودک است. ادبیات کودکان می‌تواند در صورت داشتن شرایط و ویژگی‌های لازم، نقش بسیار مهم و مؤثری در تأمین بهداشت عمومی (جسمی و روانی)، برقراری روابط انسانی سالم و رضایت بخش بین همه مردم جهان، برقراری صلح اطمینان بخش برای نسل‌های آینده باشد و سرانجام هدفدار و لذت بخش ساختن زندگی برای همه مردم ایفا کند.

### منابع و مأخذ

۱. امین پور، قیصر، (۱۳۸۶)، «شعر و کودکی»، تهران، مروارید، چاپ دوم.
۲. آزموده، ابوالفضل، (۱۳۸۹)؛ (بی تا) صبحی به مناسب یکمین سال درگذشت؛ تهران، مروارید، چاپ دوم.
۳. بختیاری، محمدرضا، (۱۳۸۵)؛ آموزش مدرن، تربیت برتر، تدریس آنلاین، انتشارات ادیبان، ارومیه، چاپ نخست
۴. بختیاری، محمدرضا، (۱۳۸۶)؛ فولکلور و ادبیات عامیانه، انتشارات ادیبان، ارومیه، چاپ نخست

۵. بختیاری، محمدرضا، (۱۳۸۶)؛ فولکلور و ادبیات عامیانه، انتشارات ادیبان، ارومیه، چاپ نخست
۶. بهداد، بهاره، (۱۳۸۹)، «ادبیات کودک: عامل پیوند کودکان دنیا، پایگاهی به ادبیات کودکان فرانسه»، گردآورنده و مترجم بهاره بهداد، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ دوم.
۷. پاترسون، کاترین، (۱۳۸۶)، مترجم حسین ابراهیمی (الوند)، «نان و گل سرخ»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.
۸. پولادی، کمال، (۱۳۸۴)، «بنیادهای ادبیات کودکان»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
۹. تکر، دیوران کوگان، (۱۳۹۱)، ترجمه موسسه خط ممتد اندیشه، «درآمدی بر ادبیات کودک از رمانتیسیم تا پست مدرنیسم»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.
۱۰. حجازی (فراهانی)، بنفشه، (۱۳۸۰)، «ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها»، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، چاپ چهارم.
۱۱. حکیمی، محمود، کاموس، مهدی، (۱۳۸۲)، «مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان»، تهران، انتشارات آرون، چاپ اول.
۱۲. خسرو نژاد، مرتضی، (۱۳۸۲)، «درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک»، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
۱۳. خسرو نژاد، مرتضی، با مقدمه‌ای از پیترو هانت، (۱۳۸۷)، «رویکردهای نقد و نظریه ادبیات کودک»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.
۱۴. رحماندوست، مصطفی، ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، مروارید، چاپ دوم.
۱۵. رهگذر، رضا، (۱۳۶۸)، «نگاهی به ادبیات کودکان قبل و بعد از انقلاب»، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۶. سرشار، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «گذری بر ادبیات کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب (چهارده مقاله و یادداشت و نقد سی و نه کتاب و یک فیلمنامه از سی نویسنده)»، تهران، موسسه انجمن قلم ایران، چاپ دوم.
۱۷. سلاجقه، پروین، (۱۳۸۷)، «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۴)، «ادبیات کودکان»، تهران، چاپ هفدهم.
۱۹. علوی، سهیلا، (۱۳۸۲)، «تأملی دیگر در ادبیات کودک و نوجوان»، تهران، یادواره‌های کتاب تهران، چاپ اول.
۲۰. علی‌پور، منوچهر، (۱۳۸۴)، «آشنایی با ادبیات کودکان»، تهران، تیرگان، چاپ چهارم.
۲۱. قزل ایاغ، ثریا. (۱۳۸۳)، ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ اول.
۲۲. محمد جعفر محبوب، ادبیات داستانی عامیانه و تاثیرات آن بر ادبیات داستان، ماهنامه کیان، شماره ۲۱، انتشارات تهران، چاپ اول.
۲۳. ملکیان، شیما، تهذیبی، نسرین، (۱۳۸۵)، "سیری در ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۴. موزونی، رضا، (۱۳۹۲)، «ترانه‌های سرزمین مادری»، کرمانشاه، باغ نی کرمانشاه، چاپ اول.
۲۵. موسوی گرمارودی، سید مصطفی، (۱۳۸۲)، «شعر کودک از آغاز تا امروز»، کرج، وزارت فرهنگ و ارشاد انتشار، چاپ اول.
۲۶. بیدگلی مشهدی، جمشید و پدram، احمد (۱۳۸۲) استفاده از ادبیات (شعر) پر حفظ و ارتقای بهداشت و سلامت روان. نهمین همایش سراسری تازه های پزشکی و پیرا پزشکی اصفهان . ۲۷ الی ۲۹ خرداد.
۲۷. قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۵) ضرورت آشنایی با روانشناسی رشد در ادبیات کودکان دختر سوم. تهران: روشنان، چاپ اول.

۲۸. محمدی محمد هادی وقائینی، زهره (۱۳۸۱): تاریخ ادبیات کودکان ایران، ادبیات کودکان پس از اسلام. جلد دوم؛ تهران: نشر چیستا، چاپ دوم.
۲۹. نادری، ناصر، (۱۳۹۲)، «دانستنی‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران برای کودکان و نوجوانان»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.
۳۰. هانت، پیتر (۱۳۸۲)، مترجمان علیرضا کرمانی، علیرضا ابراهیم آبادی، «دیدگاه‌های نظری و انتقادی در ادبیات کودکان»، تهران، کوثر فاطمی، چاپ اول.
۳۱. هدایت، صادق (۱۳۸۱)، محمد منصور هاشمی. تهران، موسسه فرهنگی مدرسه ی برهان، چاپ دوم.
۳۲. همتی، اسماعیل، (۱۳۹۲)، «کودک و قصه: روش‌های آفرینش قصه با کودکان و نوجوانان»، تهران، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ سوم.
۳۳. هیمن، جابمان، (۱۳۸۸)، «گزیده شعرهای اعضای مراکز آفرینش‌های ادبی درباره نیایش»، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.